

دکتر علی اکبر شعاری نژاد

مبانی روان‌شناسی تربیت

عوامل مؤثر در رشد و تکامل اجتماعی

یکی از عوامل‌های مؤثر در پیدایش تفاوت‌های فردی، جامعه‌ای است که شخص در آن و تحت تأثیر و نفوذ یا سیطره فرهنگ حاکم بر آن، زندگی می‌کند. تأثیر این عامل به قدری زیاد و قوی است که مطالعه رفتار فرد خارج از اجتماع را غیرممکن می‌کند. به بیان دیگر، شناخت فرد بدون شناخت جامعه و فرهنگ او امکان ندارد یا دقیق و قابل اعتماد نخواهد بود. به همین سبب، هر معلم، علاوه بر شناخت دانش‌آموز و مواد و موضوع‌هایی که تدریس می‌کند، باید جامعه و فرهنگ یا محیط اجتماعی دانش‌آموز را نیز خوب بشناسد، زیرا به تجربه ثابت شده است که توانایی شخص به بهره‌برداری از اعمال عالی عقلی یا ذهنی، بیشتر به تجربه‌های اجتماعی او بستگی دارد. حتی بعضی از روان‌شناسان معتقدند که در میان جمع (جامعه) است که ما شخصیت پیدا می‌کنیم.

منظور از رشد و تکامل

اجتماعی، نضج فرد در روابط

اجتماعی است، به طوری که بتواند با افراد و جامعه‌اش هماهنگ و سازگار باشد و از بودن و همکاری با آن‌ها لذت ببرد. در ضمن باید به این نکته مهم توجه شود که کودک هنگام تولد - برخلاف تصور گذشتگان - نه اجتماعی است و نه غیر (یا ضد) اجتماعی، بلکه به تدریج «اجتماعی شدن» را یاد می‌گیرد. پس اینکه فرد از لحاظ اجتماعی چگونه باشد به محیط تربیتی او بستگی دارد. کودک رشد اجتماعی خود را به طریقه‌های زیر نشان می‌دهد:

* وقت بیشتری را در تماس‌های اجتماعی با عده زیادی از کودکان صرف می‌کند و از بودن با دیگران لذت می‌برد.

* مهارت زیادی در ارتباط با دیگران نشان می‌دهد.

* اسباب‌بازی‌های اجتماعی یا گروهی زیادی می‌سازد.

* مدت زیادی می‌تواند با کودکان دیگر بازی کند.

اکنون باید دید چه عواملی در کیفیت رشد اجتماعی فرد

تأثیر دارند. این عوامل عبارت‌اند از:

۱. **وضع بهداشت عمومی.** کودک در صورت بهره‌مندی

از سلامت عمومی می‌تواند و علاقه‌مند می‌شود با سایر

کودکان بازی کند و در فعالیت‌های گروهی شرکت کند.

در صورتی که کودک بیمار یا محروم از سلامت عمومی، از

اجتماع با هم‌سالانش می‌گریزد و می‌خواهد محبت و ترحم

اطرافیان خود را جلب کند.

۲. **خانواده.** زندگی اجتماعی کودک از ارتباط با مادر و سپس

کلیدواژه‌ها:

تکامل اجتماعی،
روان‌شناسی، تربیت، کودک



خانواده



با پدر و اطرافیان دیگر آغاز می‌شود. از این رو، نخستین پایه تربیت اجتماعی در خانواده پی‌ریزی می‌شود. در واقع، خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که کودک «اجتماعی شدن» را از آن یاد می‌گیرد. یا به گفته ایش فروم^۱ «خانواده آژانس روانی جامعه است».

تأثیر خانواده در رشد و تکامل اجتماعی را می‌توان چنین خلاصه کرد:

* کودک آداب معاشرت را از مشاهده رفتار افراد خانواده در موارد و مواقع گوناگون یاد می‌گیرد. مثلاً مادر یا پدر یا سایر افراد خانواده‌اش را می‌بیند که زیاد می‌گویند و کمتر عمل می‌کنند و یا از دروغ‌گویی و چاپلوسی باکی ندارند. او نیز همین صفت‌های زشت اجتماعی را خواهد داشت. برعکس، اگر افراد خانواده‌اش همیشه از کمک به مردم و راستگویی و صداقت لذت ببرند، کودک نیز - به احتمال زیاد - دارای همین صفت‌های پسندیده خواهد شد.

* کودک طرز لباس پوشیدن، سخن گفتن و سایر عادت‌های اجتماعی را از خانواده یاد می‌گیرد. همچنین، ارزش‌های اجتماعی در دوران زندگی هر فرد، غالباً همان ارزش‌هایی خواهند بود که او از خانواده‌اش آموخته است.

* طرز رفتار والدین با یکدیگر نیز در رشد و تکامل اجتماعی کودک بسیار مؤثر است. هرگاه پدر و مادری دائماً با هم در نزاع باشند و به همدیگر پرخاش کنند، کودک نیز - به احتمال زیاد - در روابط زناشویی خود همان رفتار را خواهد داشت. به علاوه، فرزندان این‌گونه خانواده‌ها غالباً زندگی خود را در حال اضطراب و تشویش خاطر سپری خواهند کرد.

* پایه عقاید و افکار اجتماعی کودک از قبیل علاقه به تسامح یا تعصب یا طرفداری از حق نیز در خانه و خانواده پی‌ریزی می‌شود.

۳. **بازی.** میدان بازی یا بازی‌های گروهی بهترین فرصتی است که کودک در آن شخصیت - مخصوصاً شخصیت اجتماعی - خود را آشکار می‌سازد و ارزش‌های اجتماعی، همکاری، معامله، عدالت و انصاف را یاد می‌گیرد و حتی گاهی ممکن است بازی‌های گروهی بیش از سایر عوامل در نوع رفتارهای اجتماعی کودک مؤثر واقع شوند.

۴. **ارتباط میان افراد خانواده:** یکی دیگر از عوامل مؤثر در رشد و تکامل اجتماعی کودک و نوجوان چگونگی ارتباط بین افراد خانواده است. خانواده چند فرزندی فرصتی است که بچه‌ها با هم بازی کنند، هر کدام مسئولیتی در خانه به عهده بگیرند، و هر یک موقعیت و ارزش اجتماعی خود را در یک واحد کوچک بشناسند. این عوامل نیز اثر زیادی در رشد و تکامل اجتماعی کودک دارند. همچنین، وجود چند کودک در خانواده باعث خوش‌حالی و فعالیت ایشان می‌شود. کودکان در فعالیت‌های گروهی می‌توانند تجربه‌ها و اطلاعات خود را افزایش دهند. این ارتباط اجتماعی از هر گونه چاپلوسی و ظاهرسازی (تظاهر) دور خواهد بود و کاملاً به شکل طبیعی انجام خواهد گرفت.

۵. **مدرسه.** سابقاً مدرسه به عنوان مرکز انتقال معلومات از ذهن معلم به ذهن دانش‌آموزان به شمار می‌رفت و بهترین مدارس و معلمان آن‌هایی بودند که دانش‌آموزانشان محفوظات بیشتری داشتند. لکن در سال‌های اخیر، دانشمندان آموزش و

پرورش به یک واقعیت بسیار مهم و قابل توجه برخوردند و آن اینکه مدرسه در اجتماعی بار آمدن دانش‌آموزان، عامل بسیار مؤثری است که حتی اثر آن در بعضی موارد و مراحل رشد - مخصوصاً در دوره‌های نوجوانی و جوانی - بیش از خانواده است. زیرا در مدرسه، کودک با افرادی (همکلاسان، همبازی‌ها، معلمان، کارکنان) مواجه می‌شود که با او هم خانواده نیستند و نظرها و تمایلاتشان با تمایلات و نظرات او متفاوت‌اند. در اثر همین عامل کودک طرز برخورد و آداب معاشرت با دیگران را یاد می‌گیرد و نیز راه‌های سازگاری با محیط را از مدرسه می‌آموزد. از این رو، در آموزش و پرورش جدید، مدرسه مرکز اجتماعی مهم یا جامعه کوچکی از جامعه‌های بزرگ تلقی می‌شود.

پس امروز دیگر نمی‌توان مدرسه را عبارت از تعدادی اتاق و کلاس دانست که در آن‌ها دانش‌القا می‌شود، بلکه - چنان‌که گفته شد - مدرسه پیشرفته، بهترین مرکز فعالیت‌های گوناگون اجتماعی در حدود تجربه و شناخت دانش‌آموزان است.

در بحث از مدرسه به عنوان عامل مؤثر در رشد و تکامل اجتماعی نباید مطالب کتاب‌های درسی و روش‌های تدریس و شخصیت معلم را نادیده گرفت. بدین معنا که هر کتاب درسی باید اجتماعی ساختن دانش‌آموزان را از جمله هدف‌های اساسی خود قرار بدهد. همچنین، معلم باید در تدریس خود، روش‌هایی را به کار گیرد که دانش‌آموزان، به طور غیرمستقیم مجبور شوند با هم کار و فعالیت کنند و به تحقیق گروهی و گزارش نتیجه به همکلاسان بپردازند و بدون تردید، شخصیت معلم در اجتماعی بار آمدن دانش‌آموزان بسیار مؤثر خواهد بود. مثلاً معلمی که خود به همه بدبین است نمی‌تواند دانش‌آموزانش را طوری تربیت کند که به دیگران اعتماد داشته باشند.

توصیه‌هایی تربیتی درباره رشد و تکامل اجتماعی

با توجه به نیاز طبیعی انسان به زندگی اجتماعی و ضرورت تقویت هر چه بیشتر روابط مطلوب و مشروع بین تمام ملت‌ها - به ویژه افراد جامعه که اساسی‌ترین عامل حفظ و ادامه صلح و آرامش است و سعادت همگانی را تأمین می‌کند - به عهده تمام مؤسسات تربیتی - مخصوصاً «مدارس» (دبستان، دبیرستان و دانشگاه) - است که برای ارضای سالم این نیاز طبیعی انسان و کمک به رشد و گسترش روابط اجتماعی بکوشند. مدرسه امروز خود را موظف می‌داند که نه تنها شهروندان یک کشور بلکه جهانیان را به همدیگر نزدیک گرداند و الفت و احترام میان آن‌ها را رشد و گسترش دهد.

اکنون باید دید که آموزش و پرورش چگونه می‌تواند به رشد و تکامل اجتماعی دانش‌آموزان کمک کند، مخصوصاً در عصر حاضر، که مسئولیت اجتماعی افراد روز به روز در حال افزایش است. زیرا گروه یا گروه‌هایی نابخرد و ضدانسانی در جهان و شاید در همه جوامع بشری وجود دارند که مرتباً تلاش می‌کنند به عناوین مختلف، مردم را از هم دور کنند و آن‌ها را نسبت به هم کینه‌توز و گرگ‌صفت گردانند تا به هدف‌های ضدانسانی خود برسند؛ اگرچه ظاهراً خود را دوستدار و حتی عاشق انسان و انسانیت نشان می‌دهند! در چنین وضعی، مدرسه که رابط بین نسل‌ها و خانواده‌ها و طبقات گوناگون

کودک هنگام تولد - برخلاف تصور گذشتگان - نه اجتماعی است و نه غیر اجتماعی، بلکه به تدریج «اجتماعی شدن» را یاد می‌گیرد. پس اینکه فرد از لحاظ اجتماعی چگونه باشد به محیط تربیتی او بستگی دارد

فایده های کارهای دستی و هنری را می توان چنین خلاصه کرد:

می شوند گروهی کار کنند و عملاً از منافع کارهای جمعی (گروهی) بهره می برند.

ناگفته نماند که وقتی می توان به فایده های مذکور دست یافت که از کارهای دستی و هنری به عنوان وسیله استفاده شود نه هدف. از طرف دیگر، معلم همواره در نظر داشته باشد که هدف از گنجاندن کارهای دستی و هنری در برنامه تحصیلی، تربیت متخصص نیست، بلکه به دست آوردن فایده هایی است که اشاره کردیم. همچنین نباید این درس را فدای درس های دیگر کرد. از سوی دیگر، باید محصلان را به کارهای خلاق و پرهیز از تقلید محض تشویق کرد و کوچک ترین عمل خلاق ایشان را ستود.

۲. ورزش. ورزش در مدرسه عبارت است از فعالیت ها و حرکات منظم و موزون که هدف اساسی آن کمک به رشد طبیعی همه جانبه دانش آموزان است نه تربیت قهرمان. فعالیت های ورزشی هر قدر به شکل گروهی انجام گیرند سودمندتر خواهند بود. زیرا افراد برای هرگونه موفقیت گروه، نه خودشان، خواهند کوشید و این نیز میل همکاری و اشتراک مساعی را در دانش آموزان عضو گروه تقویت خواهد کرد. به همین سبب، معلم نباید از ارزش ساعت ها یا جلسات ورزش غفلت کند و نباید درس ورزش فدای سایر درس ها شود. معلم باید همیشه دانش آموزان را به بازی هایی برانگیزد که به شکل گروهی یا دسته جمعی انجام می گیرند.

تکرار این نکته ضروری است که ورزش در صورتی فایده و نتیجه مطلوب خواهد داشت که با استعداد و توانش و نیازها و رغبت های دانش آموزان مناسب و هماهنگ باشد.

۳. تشکیل انجمن. دیگر از عوامل بسیار مؤثر در رشد و تکامل اجتماعی دانش آموزان، تشکیل انجمن هایی است از قبیل انجمن های علمی، دینی، ادبی، هنری و ورزشی. از این انجمن ها وقتی می توان نتیجه مطلوب گرفت که رهبری هر یک از آن ها را معلمی به عهده بگیرد، به شرط اینکه این رهبری یا راهنمایی به شکل غیرمستقیم - نه دخالت مستقیم - انجام گیرد. تمام سیاست های هر انجمن را باید اعضای خود آن انجمن تعیین و تصویب کنند و معلم فقط در موارد ضروری به راهنمایی ایشان بپردازد.

۴. گردش های علمی. از گردش های علمی نیز می توان برای رشد و تربیت اجتماعی دانش آموزان استفاده کرد. به شرط اینکه: ۱. هدف از گردش علمی برای معلم و دانش آموزان روشن شود؛ ۲. دانش آموزان به گروه های مختلف تحقیقی تقسیم شوند و هر گروه مسئولیت مطالعه درباره موضوع خاصی را به عهده بگیرد. در بردن دانش آموزان به گردش های علمی رعایت نکات زیر ضروری است:

- الف. فصل و موقع مناسب انتخاب شود.
- ب. قبلاً محل گردش علمی، تعیین و حتماً به اولیای دانش آموزان اطلاع داده شود. بهتر است ایشان رضایت خود را کتباً اعلام کنند.
- پ. وسایل لازم از قبیل وسایط نقلیه، غذا، ابزارهای مورد نیاز برای مطالعه و یادداشت برداشتن و ... قبلاً پیش بینی و فراهم شوند.
- ت. وسایل اولیه بهداشت را در اختیار دانش آموزان بگذارند.
- ث. معلم مربوط و مدیر مدرسه حتماً همراه دانش آموزان

اجتماعی است هرگز نمی تواند خود را دور از اجتماع نگاه دارد و فعالیت خود را در چار دیواری مدرسه محصور و محدود کند، بلکه ناگزیر است فعالیت های آموزشی و تربیتی خود را با نیازهای جامعه هماهنگ سازد. از سوی دیگر، دانش آموزان را افراد سودمندی برای جامعه خویش و جامعه بشری بار آورد.

بدیهی است مسئولیت این امر حیاتی و بسیار مهم به عهده معلم است: معلمی که به انسان و انسانیت عشق می ورزد، خود را آگاهانه مسئول همگان می داند، قید زمان و مکان را از حرفه خود حذف کرده است، و سرانجام، معلمی که رضایت خداوند را خواستار است و همیشه خود را مسئول کم و کیف زندگی بندگان خداوند می داند.

مدرسه از راه های گوناگون می تواند به رشد و تکامل اجتماعی دانش آموزان و افزایش و گسترش اعتقاد و تمایل ایشان به ضرورت و ارزش روابط اجتماعی سالم کمک کند. از جمله می توان از چند فرصت یا امکان یا وسیله زیر استفاده کرد:

۱. کارهای دستی و هنری. قبلاً گفتیم، از جمله ویژگی های آموزش و پرورش جدید و پیشرفته «جامع نگری» و «سیستمی نگری» نسبت به انسان است و از تجزیه او به ابعاد و جنبه های مستقل از هم خودداری می کند و تربیت همه جانبه او را مورد توجه خاص قرار می دهد. به همین سبب، متخصصان تربیتی (یا آموزش و پرورش) ارزش های تربیتی کارهای دستی را به تجربه دریافته اند و ضرورت توجه به آن ها را، در تربیت همه جانبه دانش آموزان، به معلمان توصیه می کنند. زیرا در این گونه فعالیت ها دانش آموزان ناگزیرند تمام حواس خود را به کار اندازند، عملاً به ارزش وسایل مختلف زندگی و مخترعان و سازندگان آن ها پی ببرند، از همان ابتدای زندگی با کیفیت تولید وسایل گوناگون آشنا شوند، و خود نیز برای مولد بارآمدن بکوشند و در زندگی خود تنها مصرف کننده نباشند که شخص صرفاً مصرف کننده نمی تواند سازنده باشد و شخص ناتوان از سازندگی و تولید، طبعاً ویرانگر خواهد شد و همیشه زندگی انگلی خواهد داشت.

فایده های کارهای دستی و هنری را می توان چنین خلاصه کرد:

* دانش آموزان آزادانه و بهتر می توانند استعدادها و توانایی های خود را ظاهر سازند و روش ها و راه های صحیح استفاده از آن ها را یاد بگیرند.

* فرصتی است که دقت و کنجکاوای دانش آموزان را، به شکل مطلوب، پرورش و گسترش می دهد.

* دانش آموزان در نتیجه ساختن و تولید وسیله ای تازه، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس بیشتر پیدا می کنند و این نیز در تربیت شخصیت آنان بسیار مؤثر است.

* دانش آموزان عملاً با مسائل و مشکلاتی مواجه می شوند و تفکر درباره آن ها و تلاش فکری برای حل این مسائل، باعث افزایش آمادگی و پرورش نیروی اندیشه ایشان می شود.

* دانش آموزان عملاً به ارزش و اهمیت کار و کوشش پی می برند و کار کردن را برای خود ننگ نمی پندارند.

* چون بیشتر کارهای دستی مستلزم همکاری چند نفر است، از این رو، دانش آموزان - به طور غیرمستقیم - مجبور

فرصت گردش علمی از جمله فرصت های محقق بار آوردن محصلان است، زیرا محصلان تشویق می شوند خوب کنجاو باشند، خوب ببینند، خوب بشنوند، خوب دستکاری کنند، خوب به بحث و گفت و گو با همدیگر بپردازند و...

عوامل مؤثر در رشد و تکامل هیجان

باشند.

این رو، شناخت عاطفه و رفتار عاطفی و چگونگی رشد و تکامل آن‌ها و عوامل مؤثر در کیفیت آن برای هر معلم ضرورت دارد.

به علاوه، ارتباط میان معلم و دانش‌آموز در محیط مدرسه، بیشتر جنبه عاطفی دارد. بدین معنا که نگرش یا محبت دانش‌آموز نسبت به معلم و نسبت به دانش‌آموز از جمله عوامل بسیار مؤثر در یادگیری به شمار می‌رود. مثلاً هرگاه معلم، دانش‌آموزی را نپذیرد و از او متنفر باشد نمی‌تواند او را راهنمایی کند؛ همان‌طوری که وقتی دانش‌آموزی معلم خود را دوست نداشته باشد نخواهد توانست تحت تأثیر او واقع شود و چیزی از او یاد بگیرد. از طرف دیگر، احساسات و عواطف کودک و نوجوان نسبت به خود و دیگران بعد از عامل خانواده، از عامل مدرسه متأثر می‌شود و حتی در بعضی از جنبه‌ها نفوذ مدرسه بسیار مهم‌تر از خانه است. نظر اولیای مدرسه و همکلاسان و همسالان نسبت به یک دانش‌آموز، در نظر و گرایش او نسبت به خویشانش تأثیر فراوانی دارد.

حال باید دید چه عواملی در رشد و تکامل هیجانی و عاطفی کودک مؤثرند؟ مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

۱. هوش. از بررسی‌های به عمل آمده دربارهٔ کودکان ناقص عقل در سن‌های مختلف، چنین نتیجه می‌شود که کنترل هیجانی و عاطفی، به طور متوسط، در میان کودکان کودن یا کم‌هوش، کمتر از هم‌سالان باهوش یا تیزهوش ایشان است، یا این‌که کودکان پرهوش، زودتر و بهتر از کم‌هوشان، اوضاع گوناگون زندگی را درک می‌کنند.

۲. سطح نضج. هر قدر کودک از نضج طبیعی تری برخوردار باشد بهتر خواهد توانست هیجانانگیز و عواطفش را کنترل کند و بر خویشانش مسلط باشد.

۳. وضع بهداشتی. تغذیه نامناسب، اختلال‌های گوارشی، لوزه بی‌بیمار، بزرگ شدن غده‌های گلو، چشمان و دندان‌های ناسالم، و انواع سرماخوردگی در رشد و تکامل عاطفی کودک مؤثرند و او را از کنترل هیجانی و عاطفی یا برخورداری از حالات عاطفی متعادل محروم خواهند ساخت.

۴. خستگی. کودکی که به علت‌هایی از قبیل فعالیت زیاد، کم‌خوابی و بدخوابی خسته شده باشد، تندمزاج (تندخلق) و عصبانی خواهد شد.

۵. موقع روز. کودکان - حتی بزرگسالان - بعضی از ساعت‌های روز بیش از اوقات دیگر خسته می‌شوند و ناراحتی و اضطراب نشان می‌دهند. این حالت در نوزادان و خردسالان پیش از غذا و هنگام خواب - در صورتی که برنامه غذا یا خوابشان به هم بخورد - دیده می‌شود. در بزرگسالان نیز - چنان‌که آمار نشان می‌دهد، نسبت خشم و عصبانیت پیش از غذا ۲۵ درصد و بعد از آن ۶ درصد است.

۶. محیط اجتماعی. چگونگی محیط اجتماعی از لحاظ آرامش و شلوغی یا جار و جنجال در عواطف کودک مؤثر است. کودکی که دائماً تماشاگر نزاع‌های والدین خود است یا صحنه‌های هیجانی را در فیلم‌ها تماشا می‌کند، از آرامش خاطر محروم خواهد شد. همچنین، کودکان

همین‌جا باید یادآوری کنیم که فرصت گردش علمی از جمله فرصت‌های محقق‌بار آوردن محصلان است، زیرا محصلان تشویق می‌شوند خوب کنجکاو باشند، خوب ببینند، خوب بشنوند، خوب دستکاری کنند، خوب به بحث و گفت‌وگو با همدیگر بپردازند و... همه این‌ها از شرایط ضروری هرگونه تحقیق یا پژوهش به شمار می‌روند. باید دانست که تحقیق به سن خاص یا دوره خاص تحصیلی اختصاص ندارد، بلکه در هر سن و همه دوره‌های آموزشی امکان و حتی ضرورت دارد. در این صورت امکان دارد شخص به ضرورت پژوهش پی ببرد و معتقد شود و راه و روش درست آن را عملاً یاد بگیرد. چنین محصلی وقتی وارد دانشگاه می‌شود، از تکلیف تحقیقی هراسی ندارد و حتی از آن استقبال می‌کند، زیرا به تجربه دریافته است که تحقیق از بهترین راه‌های یادگیری مؤثر است. این چنین محصلی وقتی شغل معلمی را انتخاب می‌کند، مثلاً استاد دانشگاه می‌شود، شخصاً به تحقیق خواهد پرداخت و دانشجویانش را به تحقیق تشویق خواهد کرد و دیگر منتظر نخواهد شد که مقامات دانشگاهی بخش‌نامه کنند و از او تحقیق بخواهند! غافل از اینکه دو فرایند «تحقیق» و «تدریس» را نمی‌توان (و نباید) به دستور یا اجرای بخش‌نامه انجام داد.

عوامل مؤثر در رشد و تکامل عاطفی

هرکس در زندگی خود همیشه با اشخاص و اشیا و اوضاعی در تماس است و واکنش‌هایی از قبیل خوشی، رنج، تأسف، ترس، عصبانیت و خشم، حسد، نفرت و ناراحتی نسبت به آن‌ها از خود نشان می‌دهد و همین حالات، همیشه، با یک نوع تغییرات بدنی همراه‌اند، به طوری که ما آن‌ها را در خود یا دیگران به آسانی مشاهده می‌کنیم و حتی مشاهده آن‌ها غالباً آسان‌تر از مشاهده رفتارهای دیگر است. مثلاً ادراک اینکه شخصی خوش حال یا عصبانی است برای ما آسان‌تر از این است که بدانیم وی دربارهٔ چه موضوعی می‌اندیشد. این حالات را در فرهنگ یا ادبیات روان‌شناسی «عاطفه» یا «رفتار و حالات عاطفی» و گاهی هیجان و هیجانانگیز می‌نامند.

تقریباً کمتر لحظاتی را در زندگی روزانهٔ شخص می‌توان یافت که عاطفه‌ای یا هیجانی بر آن حکمفرما نباشد یا کمتر رفتاری را می‌توان دید که از رنگ و بار عاطفی خالی و عاری باشد. هر قدر سن شخص کمتر باشد به همان میزان، عاطفی‌تر یا هیجانی‌تر خواهد بود، یعنی رفتارهای شخص در دوران کودکی بیش از سایر مراحل زندگی رنگ و بار عاطفی دارند. به بیان دیگر، کودک بیش از نوجوان، و او بیش از بزرگسالان تحت تأثیر عواطف و هیجانانگیز است. پس می‌توان گفت، چگونگی رشد و تکامل عاطفی یا هیجانی هر فرد، تأثیر فراوانی در کیفیت واکنش‌های او نسبت به اوضاع و شرایط محیطی دارد. از طرف دیگر، وضع عاطفی و هیجانی از جمله انگیزه‌های شخص به انواع گوناگون فعالیت است و حتی یادگیری دانش‌آموزان، از حالات عاطفی ایشان متأثر می‌شود. از



ادراک اینکه
شخصی
خوش حال یا
عصبانی است
برای ما آسان‌تر
از این است که
بدانیم وی دربارهٔ
چه موضوعی
می‌اندیشد. این
حالات را در
فرهنگ یا ادبیات
روان‌شناسی
«عاطفه» یا
«رفتار و حالات
عاطفی» و
گاهی هیجان
و هیجانانگیز
می‌نامند

خانواده های شلوغ



می‌کند، و محیط عاطفی سالمی در کلاس به وجود می‌آورد، طبعاً دانش‌آموزان او از سلامت عاطفی بهره‌مند خواهند شد و محیط کلاس برای خود او و دانش‌آموزان لذت‌بخش خواهد بود.

عاملی که در همه جنبه‌های رشد و تکامل و مراحل آن اثر می‌گذارد انتظارات والدین از فرزندانشان در محیط مدرسه است. این انتظارات را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. سلامت روانی و بدنی
۲. مهارت‌های اساسی
۳. رشد و گسترش مجموعه ارزش‌ها
۴. توانایی خلاقیت
۵. مهارت تصمیم‌گیری مستقل و هوشمندانه
۶. مشارکت گروهی آزادمنشانه
۷. رغبت‌های فردی و مهارت دنبال کردن آن‌ها
۸. به دست آوردن شناخت از میراث فرهنگی

خلاصه

۱. بدون شناخت درست محصل آموزش و پرورش موفق و مؤثر غیرممکن است.
۲. یادگیرنده وقتی موفق خواهد شد که آمادگی بدنی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی لازم را داشته باشد و آمادگی ممکن است طبیعی و اکتسابی باشد.
۳. عوامل اکتسابی یا آموخته عبارت‌اند از: فرهنگ خانواده، تربیت سالم، محیط خانواده و محیط مدرسه.
۴. منظور از رشد و تکامل پدیدایش تغییرات تدریجی فرد است که پایه فطری و کسبی دارد.
۵. در هر مرحله از رشد و تکامل، تغییراتی در فرد پیدا می‌شوند که معیار ارزیابی کم و کیف رشد و تکامل وی به شمار می‌روند، اگرچه تفکیک یا تقسیم واقعی این مراحل غیرممکن است.
۶. عوامل مؤثر در رشد و تکامل بدنی عبارت‌اند از: نقص‌های بدنی، چگونگی تغذیه، وضع بدنی والدین، وضع اقتصادی - اجتماعی خانواده، وضع تندرستی، کار کردن در شرایط نامساعد، خواب و استراحت و تعطیلی، بازی و ورزش، تندرستی والدین، تندرستی کودک در دوران نوزادی و شیرخوارگی، هوش، فشار عاطفی، و اختلال‌های غده‌ای.
۷. عوامل مؤثر در رشد و تکامل ذهنی عبارت‌اند از: وراثت و محیط، چگونگی رشد بدنی و بهداشت، سن، جنس، نژاد و ملیت، جامعه و اوضاع اقتصادی، وجود انگیزه و یادگیری.
۸. عوامل مؤثر در رشد و تکامل اجتماعی عبارت‌اند از: وضع بهداشت عمومی، خانواده، بازی، ارتباط میان افراد خانواده و مدرسه.
۹. عوامل مؤثر در رشد و تکامل عاطفی عبارت‌اند از: هوش، سطح نضج، وضع بهداشتی، خستگی، موقع روز، محیط اجتماعی، تجربه‌های قبلی، روابط خانوادگی، آرمان‌ها، ترتیب تولد، گرایش نسبت به ارزش‌های زندگی، و محیط مدرسه و کلاس.

خانواده‌های شلوغ و پرجمعیت - اعم از زیاد بودن عده افراد خانواده یا رفت و آمد مهمان‌های متعدد و متنوع - معمولاً از ناراحتی‌های هیجانی و عاطفی رنج خواهند برد.

۷. **تجربه‌های قبلی.** کودکی که از ابتدا آموخته است با توسل به گریه و داد و بیداد به هدفش برسد، همین فشارش را حتی در بزرگسالی نیز حفظ خواهد کرد.

۸. **روابط خانوادگی.** گرایش‌های والدین نسبت به خویشتن، یکدیگر و نسبت به کودک در ایجاد و فراهم آوردن محیط عاطفی برای کودک بسیار مؤثر است. پدران و مادرانی که بیشتر اوقات خود را در خارج از منزل می‌گذرانند - به هر عنوانی که باشد - معمولاً از فرزندانشان نگرانی دارند و پیوسته از ناراحتی و تنهایی و رنج آن‌ها سخن می‌گویند و فرزندان را محور زندگی خود قرار می‌دهند و همین رفتار والدین که به محبت افراطی نسبت به کودک منجر می‌شود، کودکان را - به احتمال زیاد - به اختلال‌ها یا ناراحتی‌های عاطفی گرفتار می‌کند. به عبارت دیگر، معمولاً مادران شواغل از اینکه نمی‌توانند به قدر کافی پیش بچه‌های خود باشند و نیازهای طبیعی ایشان را ارضا کنند احساس گناه می‌کنند و برای جبران آن غالباً در محل کار خود درباره بچه‌هایشان می‌اندیشند و از آن‌ها سخن می‌گویند و وقتی با فرزندانشان هستند نسبت به آنان بیشتر محبت می‌ورزند که طبعاً مضر خواهد بود.

۹. **آرمان‌ها و آرزوها.** بعضی از مادران و پدران از فرزندانشان خویش انتظارهایی دارند که استعداد برآوردن آن‌ها در کودکان وجود ندارد. مثلاً مادر یا پدر می‌خواهد کمبودها یا محرومیت‌های خود را در فرزندانش جبران کند - او حتماً باید مهندس یا دکتر شود! - کودکان این گونه والدین رشد هیجانی و عاطفی سالم نخواهند داشت.

۱۰. **ترتیب تولد.** معمولاً فرزندان اول و آخر هر خانواده بیش از سایر فرزندان حساسیت دارند. فرزند اول، از این لحاظ بیشتر عصبانی می‌شود که خود را محروم از محبت والدین احساس می‌کند زیرا قبل از تولد بچه دوم، او تنها فرد مورد توجه والدین بوده است. حساسیت افراطی فرزند آخر خانواده هم از این لحاظ است که به علت آخرین فرزند خانواده بودن، همیشه می‌خواهد خواسته‌هایش را به وسیله خشم و عصبانیت به دست آورد.

۱۱. **گرایش نسبت به ارزش‌های زندگی.** گرایشی که کودک نسبت به ارزش‌های زندگی از خانواده‌اش یاد می‌گیرد، در عواطف او مؤثر است. مثلاً اگر در خانواده‌ای پول چیز بسیار با ارزشی تلقی شود و اطرافیان کودک - مخصوصاً والدین - همیشه از پول و اهمیت پول در آوردن حرف بزنند، کودک از این وضع متأثر می‌شود و از به دست آوردن پول بسیار خوش حال و هنگام از دست دادن آن بسیار ناراحت خواهد شد.

۱۲. **محیط و کلاس.** وضع و جو عمومی محیط مدرسه و کلاس، محتویات کتاب‌های درسی، کیفیت تنظیم جدول ساعات درس روزانه، روش‌های تدریس، و شخصیت و رفتار عمومی معلم نیز در هیجان‌ات و عواطف دانش‌آموزان مؤثرند. معلمی که همه دانش‌آموزان را دوست دارد، همه آن‌ها را آن‌چنان‌که هستند می‌پذیرد، از هیچ دانش‌آموزی غافل نیست، در حد و توانایی دانش‌آموزان تکلیف تعیین